خشونت علیه زنان با چاشنی حقوق بشر آمریکایی

سالانه میلیون‌ها زن آمریکایی از خشونت خانگی رنج می‌برند

۱۰

سنت عجیب قطع اینترنت برای کنکور

در مناطق اطراف حوزه‌های کنکور اینترنت موبایل توسط اپراتورها قطع شد

۱۱

معامله موتور و دوچرخه به قیمت کارشناسی

مرکز خرید و فروش پرندگان زینتی بزرگراه آزادگان به‌دلیل فعالیت‌های غیرمجاز ساماندهی می‌شود

۱۲

همشهری جامعه

شنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۱ ■ ۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۳۴

عکس: همشهری/امیر رستمی

چالش نسل جدید در هنجارپذیری مجازی

حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: شیوع کرونا، سرعت تغییرات و دسترسی به ارتباطات و اطلاعات را بالا برد و منجر به شکل‌گیری زندگی مجازی شد

گفت‌وگو

تفاوت نسل‌ها، موضوعی است که این روزها بیش از گذشته به گوش می‌رسد. آنها که متولد دهه ۶۰هستند، در مقایسه همیشگی با متولدان دهه‌های ۷۰و ۸۰ و حالا هم ۹۰، اختلافات زیادی را شاهدند. آنها از نوع هنجارپذیری، جامعه‌پذیری و ارزشگذاری نسل جدید در مقایسه با خود، تفاوت‌های زیادی را احساس می‌کنند. افرادی که شاید والدین دهه نودی‌ها یا اواخر دهه هشتادی‌ها باشند، حالا حتی در تعامل با فرزندانشان که فاصله سنی زیادی هم میانشان نیست، دچار اختلال هستند. نسل جدید، دسترسی گسترده‌ای به فضای مجازی دارد، سواد مجازی‌اش بالاتر است، ارتباطات گسترده‌ای در آن فضا شکل داده، الگوهای فراوانی دارد و به‌راحتی می‌تواند با نقش‌های موردعلاقه‌اش ارتباط برقرار کند. همان نقش‌ها در فضای واقعی هم نمود پیدا می‌کند و به شکل‌های مختلف که گاهی تحت عنوان هنجارشکنی از آن یاد می‌شود، نشان داده می‌شود. جامعه‌شناسان می‌گویند میزان گفت‌وگوها در داخل خانواده کم شده است. ۱۰سال پیش که فضای مجازی تا این اندازه گسترده نشده بود، پژوهش‌ها نشان می‌داد اعضای خانواده در طول روز، بین ۱۵تا ۲۰دقیقه با هم گفت‌وگو می‌کنند و حالا با افزایش راه‌های ارتباطی، این عددها هم کاهش پیدا کرده است. آنها می‌گویند ارتباطاتی که باید در دنیای واقعی شکل گیرد، در فضای مجازی به شکل دیگری، شکل گرفته و این موضوع بحران‌هایی ایجاد کرده است. حسن موسوی چلک، پژوهشگر اجتماعی و رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در گفت‌وگو با همشهری به این موضوع می‌پردازد. او می‌گوید نسل جدید پرسشگر است و نمی‌توان برای جامعه‌پذیری او از روش‌های قدیمی استفاده کرد.

شما به‌عنوان یک فعال اجتماعی که سال‌ها در حوزه آسیب‌ها، پژوهش‌های متعددی انجام داده‌اید، هم‌اکنون شاهد چه تغییراتی در هنجارپذیری و جامعه‌پذیری نسل جدید به‌ویژه متولدان ۳دهه اخیر به‌خصوص دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هستید؟

اولین تفاوتی که میان نسل امروز و دیروز شاهدیم، به ساختار خانواده برمی‌گردد؛ یعنی ما از یک خانواده گسترده که روابط در آن متفاوت با امروز بود، پدربزرگ و مادربزرگ جایگاهی در خانه داشتند، اعضای خانواده با هم کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند و عمل می‌کردند و همه جایگاه خود را برمبنای آن نگاه سنتی تعیین می‌کردند، به خانواده‌ای رسیدیم که نوع روابط میان اعضای آن کاملا تغییر کرده است. هر چقدر جلوتر می‌رویم، کیفیت روابط ضعیف‌تر شده و نقش و جایگاه خانواده در جامعه‌پذیری فرزندان، کمتر شده است؛ مثلا اگر قبلا ۶۰درصد بود، حالا به ۲۰درصد رسیده است. حتی این موضوع را در الگوپذیری فرزندان هم شاهدیم. در کنار این موضوع، تغییرات قابل توجهی هم در حوزه اشتغال در خانواده رخ داده است. قبلا یک نفر بیرون از خانه کار می‌کرد و معیشت ۱۰نفر را تامین می‌کرد، حالا ۲ تا ۳نفر کار می‌کنند، تا یک نفر به‌خوبی زندگی کند. البته بحث اشتغال هم تنها به کسب درآمد محدود نمی‌شود، افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی به واسطه توسعه ظرفیت‌های آموزشی با درس‌خواندن و دانشگاه‌رفتن و مهارت‌آموزی خواستار نقش‌آفرینی در جامعه‌اند. این مسئله هم سبب می‌شود تا افراد ساعت‌های حضور کمتری در خانه داشته باشند، یعنی نقش‌های اجتماعی بیرون از خانه در نسل امروز، قوت گرفته، درحالی‌که در گذشته اینطور نبود و افراد زمان بیشتری را با خانواده خود سپری می‌کردند.

درست است، اما مسئله‌ای که بسیار دیده می‌شود، ارتباط و حضور طولانی نسل جدید در فضای مجازی است که به‌نظر می‌رسد نقش مهمی در الگوپذیری و جامعه‌پذیری آنها دارد. به‌نظر شما این موضوع چقدر در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی این گروه سنی نقش دارد؟

نقش خیلی پررنگی دارد. ورود تکنولوژی و فناوری‌های نوین به‌صورت شبکه‌های اجتماعی و مجازی در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از شیوع کرونا، جهش بسیار بزرگی برای دسترسی به اطلاعات از این طریق و ارتباط با فضاهای دیگر، رقم زد. اتفاقی که قرار بود طی یک دوره ۳۰ساله به آن برسیم، در یکی، دو سال به آن دست یافتیم. طبیعتا با ورود شبکه‌های اجتماعی و دوستان مجازی، نقش خانواده در انتقال اطلاعات به فرزندان کاهش پیدا کرد، حتی در بسیاری از مواقع، فرزندان اشراف بیشتری هم به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیدا کردند که آنها را در مرحله جلوتری از پدر و مادرشان قرار داد. در دوران کرونا بود که تغییرات زیادی هم در نظام آموزشی ایجاد و سبب شد تا این گروه یعنی همین کودکان و نوجوانان، فرصتی برای تخلیه هیجاناتشان، بازی‌های گروهی و... نداشته باشند. به هر حال مدرسه یکی از محیط‌های اجتماعی است که کودکان و نوجوانان در آن حضور داشتند و شیوع کرونا برای مدت‌های طولانی منجر به از دست رفتن این فضا شد. بالارفتن میزان دسترسی آنها به فضای مجازی، ادبیات جدید، ارتباطات جدید و فضای متفاوتی پیش‌روی این افراد قرار داد، اطلاعاتی که در این فضا ارائه می‌شود، دست‌به‌دست هم داد تا نقش خانواده در جامعه‌پذیری و ایجاد الگو برای این افراد، کمرنگ شود. همه اینها یک پیام دارد، آن‌هم اینکه کودکان امروز با کودکان یک یا ۲هفته قبل متفاوت‌اند. پذیرش این نگاه، می‌تواند تحلیل‌های واقع‌بینانه‌تری به جامعه‌شناسان و مسئولان در این حوزه بدهد. باید برای نسل جدید، الگوهای تربیتی جدیدی هم تعریف شود.

به‌نظر شما اگر پاندمی کرونا، شایع نمی‌شد، این تغییرات در نحوه هنجارپذیری و جامعه‌پذیری این گروه سنی، اتفاق نمی‌افتاد؟

نه با این سرعت. برای نمونه در ارتباط با مدرسه و نظام آموزشی، شیوع کرونا، منجر شد تا بخشی از نقش‌ها و تأثیری که مدرسه روی جامعه‌پذیری این گروه سنی داشت، از بین برود یا کمرنگ شود. نزدیک به ۲سال مدرسه کارکرد خود را از دست داد؛ یعنی درست همان مکانی که انتظار داشتیم خلأهای تربیتی این افراد را جبران کند، خودش در دوران کرونا دچار مشکلات جدی شد. البته در کنار آن موضوعی که نمی‌توانیم آن را انکار کنیم، سرعت بالای دسترسی به اطلاعات است؛ اطلاعاتی که کنترلی هم روی آن وجود ندارد. ما نمی‌دانیم از چه زمانی رفتار فرزندانمان تغییر کرد. حتی گفت‌وگو درون خانواده هم کمرنگ شد. درست است که شیوع کرونا، مردم را برای مدتی خانه‌نشین کرد، اما منجر به شکل‌گیری ارتباط قوی‌تر و عمیق‌تر نشد. آن زمان که نرم‌افزار وایبر به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباطی راه‌اندازی شد و به‌تدریج شبکه‌های اجتماعی از گوشه و کنار در حال رشد بودند، پژوهشی انجام دادم که نشان می‌داد مدت زمان گفت‌وگو در خانواده‌ها، حدود ۱۵دقیقه است. این موضوع مربوط به حدود یک دهه قبل است. حالا طبیعتا تعداد این دقایق کمتر هم شده است.

به‌نظر شما این گفت‌وگوها در جای دیگری شکل گرفته است؟ مثل فضای مجازی؟

بله، یا در فضای مجازی یا اینکه به‌طور کلی میزان گفت‌وگو کاهش پیدا کرده است. یعنی افراد دیگر تمایلی به گفت‌وگو ندارند. به هر حال در ۲سال گذشته، بخشی از این کودکان و نوجوانان، گوشه‌گیر شده‌اند. البته که از نظر من این افراد مقصر نیستند، چراکه آنها مهارت لازم برای اینکه از خودشان در برابر آسیب‌ها محافظت کنند را آموزش ندیده‌اند تا نقش یک فرد مؤثر و کارآمد، جامعه‌پذیرشده و سالم را داشته باشند. آنها نتوانستند خودشان را با شرایط تطبیق دهند، آنهایی هم که وظیفه‌های تربیتی دارند، نتوانستند کمک چندانی داشته باشند، به هر حال که این گروه، نیاز به تخلیه انرژی‌های خود دارند و ممکن است به هر شکلی این اتفاق رقم بخورد. برخی از این هیجان‌ها به شکلی تخلیه می‌شود که برای ما یک پیام دارد و آن هم بی‌نتیجه ماندن برخی از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی چه در سطح خانواده چه خارج از آن و به‌طور کلی در جامعه است. در حال حاضر بیش از ۶۰معاونت و سازمان، پسوند اجتماعی - فرهنگی دارند، حتی گاهی شاهدیم در قالب یک سازمان مستقل و یک معاونت هم فعالیت می‌کنند، اما باز هم کارایی لازم را ندارند. نظام فرهنگی - اجتماعی نباید از زمانه‌اش دور باشد.

به اعتقاد شما، تمام ماجرا به این موضوع محدود می‌شود؟

خیر، قطعا نظارت و کنترل خانواده‌ها بر فرزندانشان کمتر شده است. ما می‌دانیم هر وقت خانواده‌ها فشار بیش از حدی به فرزندانشان وارد می‌کنند، آنها واکنش‌های منفی‌تری از خود نشان می‌دهند. اقدام به‌خودکشی، فرار از خانه، خشونت‌های خانگی، ناسازگاری‌هایی که از سوی فرزندان با والدین رخ می‌دهد و... ما نمی‌خواهیم رفتار نسل جدید را توجیه کنیم، اما به هر حال بچه‌هایی که در ۱۰، ۱۲سال گذشته یا حتی کمتر از اینها، به دنیا آمده‌اند، آنقدر قدرت تعقل و تفکر ندارند که بخواهند خودشان را با شرایط جامعه تطبیق دهند. با این حال مراجعی که در زمینه مسائل اجتماعی مشغول به کارند، یکی، دو دهه عقب‌تر از این بچه‌ها هستند. هر چند که ما نمی‌گوییم به تمام مطالبات این گروه سنی باید جامه عمل پوشانده و تأیید شود. اما حتما لازم است با زبان خودشان با آنها گفت‌وگو شود و آنها را برای اهمیت‌دادن به قوانین و هنجارها و ارزش‌ها، آماده کرد. از یک جایی به بعد هم باید انعطاف در رفتارها در چارچوب مقررات جاری کشور وجود داشته باشد تا قدرت سازگاری و انطباق این افراد هم بیشتر شود.

حالا بیشتر از گذشته شاهد اختلاف میان نسل‌ها هستیم، حتی افرادی که مثلا متولد دهه ۶۰ هستند، فاصله زیادی با متولدان دهه ۸۰ و ۹۰احساس می‌کنند. درحالی‌که فاصله میان دهه ۶۰ و ۸۰، تنها ۲۰سال است. دلیل این اتفاق چیست؟

به هر حال فاصله‌ای که میان نسل‌ها ایجاد شده، به‌دلیل شیوه عملکردهاست. باید نیازها و مطالبات نسل جدید رصد شود، اینکه این گروه میزان فهمشان از موضوعات اجتماعی چقدر است؟ چطور می‌توان آنها را هنجارپذیر کرد و... موضوعاتی است که باید در اولویت قرار گیرد؛ مثلا می‌گویند نسل جدید بی‌پرواتر شده است، من بشخصه به‌سختی عبارت بی‌پروایی را برای آنها به‌کار می‌برم. این بی‌پروایی نیست. آنها نسل پرسشگری شده‌اند. اما در مقابل کسانی که باید به سؤالاتشان پاسخ دهند، زبان آنها را به‌خوبی نمی‌شناسند. به همین دلیل این گروه در فضای مجازی به‌دنبال پاسخ‌گرفتن برای سؤالاتشان هستند. سواد مجازی بچه‌های امروز بسیار بالاست و این گروه سنی، نقش‌های اجتماعی متنوع‌تری را می‌خواهند. درحالی‌که در دوره ما، جز مدرسه‌رفتن و انجام ورزشی مثل فوتبال آن‌هم برای پسران، هیچ نقش اجتماعی وجود نداشت، اما بچه‌های امروز، اینطور نیستند. به واسطه تغییراتی که در جامعه در پی ساختار شهرنشینی و غلبه جمعیت شهرنشین بر جمعیت روستانشین و همچنین تفاوت‌هایی که در مطالبات و خواست‌ها و نیازها رخ داده، اختلاف میان نسل‌ها، طبیعی است. البته میان نسل ما و نسل قبلی‌تر هم تفاوت‌هایی بود، اما شاید به اندازه نسل امروز نیست. اینجاست که ما نیازمند یک بازنگری در برنامه‌ها و نوع نگاهمان به فرزندان هستیم که باید هم‌راستا با میزان آگاهی آنها باشد. اگر از همان الگوی تربیتی قبلی استفاده شود، نتیجه هم تغییر نمی‌کند. بچه‌های دانش‌آموز ما ۱۰سال زودتر گوشی به‌دست شده‌اند. قبلا اگر روزانه یک‌ربع در روز اجازه کار با گوشی هوشمند به آنها داده می‌شد، بعد از شیوع کرونا، دیگر تمام روز این گوشی‌ها دست بچه‌هاست، میزان ارتباط این افراد با فضای مجازی بسیار بالا رفت و این فضا، جایگزین والدین و نهادهای اجتماعی مؤثر در تربیت و جامعه‌پذیری بچه‌ها شد. ما هیچ وقت تصور نمی‌کردیم روزی برسد که مدرسه نباشد و بچه‌ها درس بخوانند. در سایه این تغییرات رفتارها هم تغییر کرد. حتی جایگاه معلم و ناظم عوض شد. در دوره ما وقتی معلم یا ناظم را در محله می‌دیدیم از ترس فرار می‌کردیم، اما حالا به‌راحتی بسیاری از کارکردها پذیرفته شده است. نمی‌گوییم آن زمان خوب بود و حالا بد یا برعکس. اما مسئله در تفاوت ارزش‌هاست. کودکان امروز دیگر این موضوعات را نمی‌پذیرند. سرعت تغییرات آنقدر زیاد بود که حتی نظام آموزشی هم نتوانست خودش را برساند. کودکان و نوجوانان امروز، به‌راحتی به خواننده و بازیگر موردعلاقه‌شان از طریق اینستاگرام دسترسی پیدا می‌کنند. زمان ما مثلا علی پروین بود که ما تنها او را در تلویزیون می‌دیدیم. هیچ راه ارتباطی با او نداشتیم. نسل امروز، به‌راحتی اسم هنرمند یا ورزشکار مورد علاقه‌اش را جست‌وجو می‌کند و تبدیل به هوادارش می‌شود، یا در برخی مناسبت‌ها با او دیدار می‌کند، عکس می‌گیرد و... به هر حال سرعت دسترسی به اطلاعات و بالارفتن میزان ارتباطات، آثار مثبت و منفی خود را دارد، اما نکته اینجاست که خانواده و سازمان‌های اجتماعی نباید از این گروه سنی فاصله بگیرند. درحالی‌که ما شاهدیم که همراهی خانواده با فرزندانشان کم شده است، هر چقدر فاصله بیشتر شود و میزان روابط عاطفی در خانه کمرنگ شود، میل این افراد برای ارتباط تنگاتنگ با فضای مجازی بالا می‌رود. در دوران کرونا همه می‌گفتند که اعضای خانواده ساعت‌های بیشتری در کنار هم هستند و این نکته مثبتی است، اما کنار هم بودن به معنی شکل‌گیری ارتباط واقعی نیست.

به‌نظر شما در این شرایط چه باید کرد؟

نباید انتظار داشت بچه‌ها مانند ما برخورد کنند. ما باید این موضوع را بپذیریم، ما باید پاسخ‌های منطقی به سؤالات آنها داشته باشیم، با زور و اجبار و تهدید، کاری از پیش نمی‌رود. به هر حال هیچ پدر و مادری نمی‌خواهد با دادن آزادی‌های بیش از حد به فرزندان، حرمت خود را از بین ببرد، اما به هر حال به واسطه ایجاد رفاه بیشتر برای فرزندان، گاهی ممکن است آنها از مسیر هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه خارج شوند. پدر و مادر نسل خود را با نسل جدید مقایسه می‌کنند؛ نسلی که احترام به بزرگ‌تر بیشتر بود و ارزش‌ها و هنجارها، مورد قبول جامعه. دسترسی به اطلاعات مانند امروز نبود. گروه‌هایی که از آنها الگو گرفته می‌شود، آدم‌های واقعی اطراف بودند. کیفیت روابط درون خانواده، به شکل دیگری بود، مشارکت در امور خانه، مسئولیت‌پذیری، یادگیری ارزش‌ها و هیجان‌ها، بیشتر دیده می‌شد و افراد در خانه اینها را تجربه می‌کردند. اما نسل امروز این نقش‌ها را نمی‌پذیرد و تمام این موارد در او کمرنگ شده است.

خلاصه گزارش

اولین تفاوتی که میان نسل امروز و دیروز شاهدیم، به ساختار خانواده برمی‌گردد؛ یعنی ما از یک خانواده گسترده که روابط در آن متفاوت با امروز بود، پدربزرگ و مادربزرگ جایگاهی در خانه داشتند، اعضای خانواده با هم کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند و عمل می‌کردند و همه جایگاه خود را بر مبنای آن نگاه سنتی، تعیین می‌کردند، به خانواده‌ای رسیده‌ایم که نوع روابط میان اعضای آن کاملا تغییر کرده است

ورود تکنولوژی و فناوری‌های نوین به‌صورت شبکه‌های اجتماعی و مجازی در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از شیوع کرونا، جهش بسیار بزرگی برای دسترسی به اطلاعات از این طریق و ارتباط با فضاهای دیگر را رقم زد؛ اتفاقی که قرار بود طی یک دوره ۳۰ساله به آن برسیم، در یکی، دو سال به آن دست یافتیم. طبیعتا با ورود شبکه‌های اجتماعی و دوستان مجازی، نقش خانواده در انتقال اطلاعات به فرزندان کاهش پیدا کرد

نزدیک به ۲سال مدرسه کارکرد خود را از دست داد؛ یعنی درست همان مکانی که انتظار داشتیم خلأهای تربیتی این افراد را جبران کند، خودش در دوران کرونا دچار مشکلات جدی شد. البته در کنار آن، موضوعی که نمی‌توانیم آن را انکار کنیم، سرعت بالای دسترسی به اطلاعات است؛ اطلاعاتی که کنترلی هم روی آنها وجود ندارد. ما نمی‌دانیم از چه زمانی رفتار فرزندانمان تغییر کرد. حتی گفت‌وگو درون خانواده هم کمرنگ شد

سواد مجازی بچه‌های امروز بسیار بالاست و این گروه سنی، نقش‌های اجتماعی متنوع‌تری را می‌خواهند؛ درحالی‌که در دوره ما، جز مدرسه رفتن و انجام ورزشی مثل فوتبال آن هم برای پسران، هیچ نقش اجتماعی وجود نداشت، اما بچه‌های امروز، اینطور نیستند. به واسطه تغییراتی که در جامعه در پی ساختار شهرنشینی و غلبه جمعیت شهرنشین بر جمعیت روستانشین و همچنین تفاوت‌هایی که در مطالبات و خواست‌ها و نیازها رخ داده، اختلاف میان نسل‌ها، طبیعی است. البته میان نسل ما و نسل قبل‌مان هم تفاوت‌هایی بود، اما شاید به اندازه نسل امروز نیست

سلامت

خیز دوباره کرونا؛ مردم واکسن یادآور بزنند

وزارت بهداشت از افزایش موارد ابتلا و بستری کرونا در روزهای اخیر خبر داد

موارد ابتلا و بستری کرونا در کشور با افزایش مواجه شده؛ این خبری است که وزارت بهداشت اعلام و تأکید کرده که سویه غالب، BA5 زیرسویه اومیکرون است. پیش‌بینی‌های قبلی با توجه به وضعیت شیوع بیماری در دنیا، حکایت از این داشت که ایران هم مانند سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی، با افزایش موارد ابتلا روبه‌رو خواهد شد. پیش از این متخصصان اپیدمیولوژی و عفونی، جدی گرفتن رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای پیشگیری از شیوع دوباره بیماری در کشور را خواستار شده بودند و درست زمانی که میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی به‌ویژه استفاده از ماسک به مرز ۴۰درصد رسید، موارد ابتلا هم افزایش یافت. حالا محمدمهدی گویا، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیردار وزارت بهداشت به‌عنوان مسئولی که نخستین‌بار در بهمن سال ۹۸ هم نسبت به شیوع کرونا در کشور هشدار داده بود، اعلام کرد: «در اروپا با موج سنگین بیماری کرونا روبه‌رو هستیم و در کشورهای اطراف ما هم موارد بیماری افزایش داشته است. بیشتر موارد مشاهده شده خفیف است، برخی با علائم تب و سرفه و برخی با علائم گوارشی مانند اسهال و استفراغ مراجعه می‌کنند.» در هفته گذشته اعلام شد، موارد ابتلا به کرونا در کشور امارات به روزانه بالای هزار نفر رسیده است.

این مسئول در وزارت بهداشت تأکید کرد که باید کرونا را جدی گرفت؛ چراکه ممکن است، بیماری در واکسن‌نزده‌ها دردسر آفرین شود و کار افراد به بیمارستان بکشد: «به این افراد هشدار می‌دهیم که زودتر واکسن تزریق کنند. همچنین مردم استفاده از ماسک در فضاهای سربسته را جدی بگیرند. آمارها نشان می‌دهد درصد تزریق واکسن کودکان ۵ تا ۱۱سال پایین است و به خانواده‌ها هشدار می‌دهیم که از این فرصت برای تزریق واکسن استفاده کنند.» براساس اعلام گویا، درحالی‌که پیش از این زیرسویه‌های BA1 و BA2 شایع بود، حالا سویه BA5 هم به آن اضافه شده است؛ هر چند که این سویه شدت بیماری‌زایی بالایی ندارد: «از پزشکان درخواست داریم که افراد مشکوک به علائم کرونا را برای تست ارجاع دهند؛ زیرا تست مثبت موجب می‌شود فرد مبتلا خود را قرنطینه و نکات بهداشتی را رعایت کند.» اوایل هفته گذشته بود که ستاد ملی مقابله با کرونا، نسبت به تزریق دوز یادآور برای تمام گروه‌های سنی بالای ۱۲سال «توصیه اکید» کرد.

گزارش‌های معاونت بهداشتی وزارت بهداشت از میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی هم حکایت از نادیده گرفتن رعایت پروتکل‌های بهداشتی دارد؛ به‌طوری‌که در آخرین گزارش، میزان استفاده از ماسک در کشور ۴۱درصد بود. در همین وضعیت هم وزیر بهداشت، ۳روز پیش اعلام کرد که الزام استفاده از ماسک در مکان‌های باز برداشته شده است. به گفته بهرام عین‌اللهی، این تصمیمی بود که در ستاد ملی مقابله با کرونا گرفته شد؛ هر چند که در مکان‌های عمومی همچنان باید از ماسک استفاده کرد.

براساس آخرین اعلام وزارت بهداشت، تاکنون بیش از ۱۵۰میلیون دوز واکسن تزریق شده که سهم دوز سومی‌ها بسیار کم است؛ به‌طوری‌که ۶۴میلیون و ۶۴۶هزار و ۴۱۵دوز اول، ۵۷میلیون و ۹۹۸هزار و ۳۲۶دوز دوم و تنها ۲۷میلیون و ۷۴۹هزار و ۴۸۲دوز سوم تزریق شده است. به گفته متخصصان میزان تزریق دوز سوم باید به بالای ۷۰درصد برسد؛ این در حالی است که هنوز تزریق دوزهای اول و دوم هم میزان بالایی ندارند و خیلی‌ها هنوز دوز دوم‌شان را هم تزریق نکرده‌اند. تأکید بر تزریق دوز یادآور پیش از ورود به پیک جدیدی از کرونا، توصیه متخصصان عفونی و ویروس‌شناسان است؛ چراکه با ورود به پیک، افراد پس از مبتلا شدن ایمنی به‌دست می‌آورند و عملا دیگر تزریق واکسن فایده‌ای برای آنها ندارد، تنها نتیجه‌اش بالا رفتن تعداد مبتلایان، بستری‌ها و فوتی‌های احتمالی است.

نگاهی به آمارهای شیوع کرونا در کشور نشان می‌دهد، روند افزایش موارد ابتلا به کرونا از اواخر خرداد شروع شده است، هر چند که در ماه گذشته، ۳روز بدون فوتی کرونا گزارش شد و این روند در دهه اول تیر هم ادامه داشت و ۲روز هیچ فوتی کرونایی در کشور ثبت نشد، اما نشانه‌های واضح از افزایش ابتلا و بستری به‌ویژه در هفته گذشته دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که از ابتدای تیرماه موارد ابتلای روزانه از ۲۶۵نفر شروع شد و روز گذشته به ۴۶۳نفر هم رسید. موارد بستری هم همین روند را طی کرد و از ۶۷نفر در نخستین روز تیر، به ۸۳نفر در روز گذشته رسید. روند ابتلا و بستری در خرداد، روند باثبات‌تری داشت و موارد بستری در بالاترین میزان به ۷۵نفر رسیده بود. روند افزایشی ابتلا در استان‌های کشور هم محسوس است؛ به‌طوری‌که هشتم تیر، رئیس مرکز بهداشت استان خوزستان اعلام کرد که روند ابتلا با شیب ملایمی در حال افزایش است؛ وضعیتی که ممکن است همراه با افزایش بستری و در ادامه بالا رفتن تعداد فوتی‌ها شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد هم‌اکنون تعداد مناطق قرمز و نارنجی در کشور صفر است، اما ۱۰۵شهر در وضعیت زرد و ۳۴۳شهر هم در وضعیت آبی قرار دارند.